



## «معبد سرچشمه» روایت تأسیس و نقش‌آفرینی حزب جمهوری اسلامی

موضوع تدوین قانون اساسی یکی از اولین موضوعاتی بود که کشور با آن درگیر بود. یک موضوع مهم و حیاتی و در عین حال غیرقابل عبور بود.

موضوع تدوین قانون اساسی یکی از اولین موضوعاتی بود که کشور با آن درگیر بود. یک موضوع مهم و حیاتی و در عین حال غیرقابل عبور بود.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ و ادب، زینب رازدشت: کتاب معبد سرچشمه (حزب جمهوری اسلامی از 1357 تا 1359) نوشته سیدمجتبی مؤمنی و محمدمهدی اسلامی در 10 فصل همراه با تصاویر مربوط به حزب توسط مؤسسه فرهنگی هنری سرچشمه نور انقلاب اسلامی منتشر شد.

حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در شامگاه هفتم تیر 1360 یکی از بزرگترین حوادث تروریستی دنیا است. شاید اگر دو مؤلفه تعداد شهدا و جانبازان و نیز اثر سیاسی این ترور را همزمان در نظر بگیریم، بزرگترین ترور جهان شناخته می‌شود.

خاصه آنکه این حادثه درجغرافیای سیاسی جنگ سرد نیز خوانش خاص خود را داشت. ترور در روزهای استقرار انقلابی رخ داده بود که منافع آمریکا و متحدانش در منطقه را به چالش کشید و رئیس کاخ سفید را سیاست این کشور تغییر داد اما با بلوک شرق نیز مرزبندی آشکار داشت.

عامل این انفجار تشکیلاتی بود که عضو ارشد آن در لحظه جاسوسی برای شوروی بازداشت شد و بعدها از اسناد کاخ صدام، فیلمی به دست آمد که مسعود رجوی انفجار حزب جمهوری اسلامی را با اطلاع دولت ایالت متحده آمریکا اعلام کرده بود. شاید یافتن نقطه آغاز تشکیل حزب جمهوری اسلامی کار راحتی نباشد. عده ای ریش این امر را در نگاه حضرت امام خمینی (ره) و مطالبه او می‌دانند، عده ای دیگر جرقه‌های ذهنی سیدمحمد حسینی بهشتی، از اواخر دهه 20 و عده ای دیگر نتیجه جلسات طلاب مشهد و...

اما همه این‌ها یک فصل مشترک دارد. جلسه ای در مشهد، در یک روز تابستانی است. جلسه ای که در آن دبیران کل آئی حزب، یعنی دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، دکتر محمدجواد باهنر و آیت الله سیدعلی خامنه ای همراه با دونفر دیگر حضور داشتند.

داشتن حزب به ویژه در روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب، موضوعی کلیدی است که نمی‌توان به راحتی از آن گذشت. اینکه طراحان حزب در آن زمان چه افکاری داشتند و با چه دقت و اهمیتی آن را پایه گذاری کردند، نکته مهمی است.

روزهایی پر از هیجان و تغییرات که هر لحظه اتفاقات جدیدی رخ می‌داد و نیاز به پاسخگویی سریع وجود داشت، به وجود آوردن چنین حزبی، گزینه ای مهم و متفاوت به شمار می‌رود. کسی تردید ندارد که مؤثرترین چهره در تأسیس حزب آیت الله سیدمحمد حسینی بهشتی است که آن روزها به دکتر بهشتی مشهور بود. او معتقد بود تداوم انقلاب بعد از پیروزی اش نیاز به مدیریت دارد؛ وقتی انقلاب پیروز می‌شود نوبت به تداوم انقلاب، نوبت به مدیریت، نوبت به برنامه ریزی در زمینه های مختلف روحی و معنوی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، بهداشتی و امثال آن می‌رسد.

معمولاً نگاه احزاب معطوف به دبیرکل است، اما دکتر بهشتی بر ضرورت سازماندهی تحت رهبری «ولی» تأکید ویژه ای داشت. موضوع حزب و داشتن آن، منحصر به دکتر بهشتی نیست. یک گمشده برای افراد صاحب رأی در آن دوره بوده است.

کار ویژه حزب چه بود؟

کار ویژه حزب به خصوص در روزهای نخست انقلاب اسلامی کادرسازی و سازماندهی نیروهای مؤمن به انقلاب بود. بنا به گفته دکتر باهنر حزب جمهوری اسلامی بر این اساس تشکیل شد که نیروهای پراکنده و مؤمن به انقلاب را سامان دهد و هماهنگ کند و از نظر بینش ایدئولوژیکی آن را مجهز کند و به مشارکت و فعالیت وا دارد.

برای ساختارهایی مثل احزاب با عقبه طولانی، مثل حزب جمهوری اسلامی شنیدن روایت تأسیس و ایده اولیه جذاب است. اما

وقتی مدتی از تأسیس آن گذشته باشد، طبیعی است که به روایت های متنوعی برسیم. حزب جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست. این مورد در مورد حزب جمهوری اسلامی تا اندازه زیادی متفاوت است. این ایده زمانی مطرح شده بود که حتی حرفی از جمهوری اسلامی هم به میان نیامده بود و تمرکز روی حکومت اسلامی بود. اصلاً تا پیش از آنکه امام خمینی(ره) در مهرماه 1357 بگویند: جمهوری اسلامی رژیم است متکی بر آرای عمومی و رفاندوم و قانون اساسی اش قانون اسلام و باید منطبق با قانون اسلام باشد. موضوع شعارهای مردم اغلب مطالبه حکومت اسلامی بود.

بهشتی معتقد بود حزب جمهوری یک طلسم را شکسته است؛ اینکه مسلمان ها قادر به تشکیل حزب اجتماعی، سیاسی، اسلامی برخاسته از توده مردم، آن هم با شرکت فعال روحانیت نیستند.

#### مأموریتی متفاوت در روزهای متفاوت

نگرانی های مطرح شده از سوی برخی مبارزین درباره پیامدهای تشکیل حزب، سد راه دکتر بهشتی و دوستان هم فکریش نشد. آن ها برای کار تشکیلاتی مدت ها بود شروع کرده بودند و می خواستند تا انتهای مسیری که از سال ها قبل برای آن وقت گذاشتند، پیش بروند. حتی برای آن پیش نویس اساس نامه ای هم تهیه کرده بود و اینک قدم بعدی؛ تکمیل تدوین اساس نامه ریخته شده بود، اما برخی اقتضانات جدید در این فاصله رخ نموده بود، نیاز به یک بازبینی نهایی داشت.

آیت الله سیدعلی خامنه ای یکی از اعضای تیم دونفره تدوین اساس نامه بود. «این مأموریت به من و مرحوم باهنر داده شد و باید بگویم که بیشترین کارش را مرحوم باهنر کرد»

بنا به گفته ایشان مرحوم باهنر فرد پرکار و خستگی ناپذیری بود. این تنظیم اساس نامه در روزهایی بود که امام در مدرسه علوی مستقر بودند و خیابان ایران، مرکز اداره انقلاب اسلامی بود. از آیت الله خامنه ای نقل شده است: اساسنامه تمام شد و به نظر دوستان رسید و تصویب شد. قرار شد که آن را چاپ کنیم. من چاپ نشده اش را بردم خدمت امام؛ این آخرین پیگیری تأیید از امام است. اساسنامه را من خودم شب بردم خدمت امام و به حاج احمد آقا دادم که امام ببینند اگر نظر مخالفی یا تذکری دارند بگویند که ما اصلاح کنیم. البته از همان روزهایی که امام تشریف آورده بودند تا وقتی که ما حزب را اعلام کردیم امام حداقل دو مرتبه از آقای هاشمی رفسنجانی پرسیده بودند که اجرا اعلام نمی کنید. ایشان هم منتظر بودند که این کار انجام بگیرد. این مرحله خیلی طول نکشید و بلاخره خبر تنظیم اساسنامه حزب جمهوری اسلامی در 44 ماده در روزنامه های دوم اسفند سال 57 درج شد.

آغاز رسمی حزب دکتر باهنر آغاز حزب در روزهای اول انقلاب اسلامی را چنین روایت کرده است؛ ما در روز 29 بهمن یعنی یک هفته بعد از پیروزی انقلاب، تأسیس حزب را اعلام کردیم و از آنجا که باید گفت ناگهان مواجه با این موقعیت شده بودیم و در واقع بایستی گفت غافلگیری شده بودیم.

تنوع فکری و شخصیت های حاضر در حزب یکی از گزینه های مهم در انتخابات اعضا بود. نگاه آیت الله بهشتی به تعدد و تنوع در شورای مرکزی جزئیات بیشتری دارد. شورای مرکزی حزب که براساس 30 نفر انتخاب شده اند، از روحانیون مبارز، دانشگاهیان، پیشه وران، دانشجویان، فرهنگیان و کارگران از خواهران و برادران تشکیل شده و در حال حاضر که در این شورا 31 عضو دارد، در شورا عده زیادی از چهره هایی هستند که سال ها فعالیت مبارزاتی دارند و بسیاری از آن ها سابقه زندان طولانی دارند. انتخاب این دوستان به وسیله هیئت مؤسس براساس معیارها و ضوابطی که حزب برای عضو در اساسنامه مشخص کرده انجام گرفته است.

تقریباً همزمان با بنا نهادن شورای مرکزی موقت، فراخوان عضویت نیز صورت گرفت و البته در اعلام، مقدم برآن بود. شروع فعالیت رسمی با انتشار بیانیه اعلام موجودیت حزب در 29 بهمن آغاز شد. در همان بیانیه از همه کسانی که تمایل به عضویت در حزب داشتند، دعوت شد. این فراخوان با واکنش و اشتیاق بسیار عجیب مردم مواجه شد.

راه اندازی تشکیلات حزب جمهوری نیاز به منبع مالی برای تأمین هزینه ها داشت. هزینه هایی که بتواند مسائل مالی ساختار عریض و طویل حزب به خصوص در شهرستان ها را سامان دهد. هزینه های مالی حزب از چند طریق تأمین می شد. بخشی از این منابع، کمک های امام و سایر روحانیون از محل سهم امام بود. بنا به گفته دکتر بهشتی در مورد سابقه جمع آوری کمک های مالی برای حزب به تجربه انقلاب، بودجه حزب از کمک افراد علاقمند تأمین می شود.

موضوع تدوین قانون اساسی یکی از اولین موضوعاتی بود که کشور با آن درگیر بود. یک موضوع مهم و حیاتی و در عین حال غیرقابل عبور بود. امام در روز دوازدهم بهمن در بهشت زهرا(س) به مردم وعده داده بود که مجلس مؤسسان تشکیل و در آن

قانون اساسی جدید به تصویب خواهد رسید.

در حکم نخست وزیری بازرگان نیز به تشکیل این مجلس اشاره شده بود، اما در زمان تصمیم گیری درباره چگونگی تدوین و تصویب نهایی قانون اساسی، بین اعضای شورای انقلاب و دولت، اختلاف نظر به وجود آمد.

حتی امام خمینی(ره) نیز در موضعی آشکار از تلاش عده ای برای طورانی کردن روند تصویب قانون اساسی تا دو سال، اظهار نگرانی کردند. اعضای شورای انقلاب و دولت موقت سراغ امام رفتند. در آن جلسه دو نظر مطرح شد؛ تأسیس مجلس مؤسسان و همه پرسی قانون اساسی.

انتخابات در روز جمعه 12 مرداد 1358 برگزار شد. با پایان یافتن شمارش آرا، 75 نفر از سراسر کشور انتخاب شدند. اعلام اسامی، خبر از پیروزی قطعی نیروهای مذهبی، انقلاب و ائتلافی حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور داشت و حدود 80 درصد کرسی های مجلس در اختیار روحانیت قرار گرفت، جناح مخالف خط امام که حول محور سازمان مجاهدین خلق شکل گرفته بود، شکست سختی متحمل شدند.

یک اصل پرچالش بحث ولایت فقیه و تصویب آن در مجلس خبرگان قانون اساسی، یکی از موضوعات پرچالش بود. بهشتی در مورد اصل ولایت فقیه بحث های زیادی کرده بود. او معتقد بود که آنچه در قانون اساسی پیش بینی شده مبنی بر اینکه رهبری عالی فقیه با تقوا، متعهد مبارز، آگاه، فقیهی که ریاست دوست نیست، دنیا طلب نیست، مستبد نیست، دیکتاتور نیست، فقیهی که مردم دوست است. این اشتباه است اگر کسی خیال کند که ما می گوئیم فقها در رأس هستند یعنی باید با کبکبه و دیدبه و سیاست فروشی و بزرگی فروشی به رخ مردم بکشند که ما رئیس شمائیم. همینطور که امام فرمودند اگر یک فقیهی دچار این بیماری باشد دیگر بر مردم ولایت ندارد.

اولین انتخابات ریاست جمهوری

قانون اساسی تصویب شد. روزها به سمت روی روال افتادن کارها پیش می رفت. ماجرای تصرف سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) توسط دانشجویان پیرو خط امام و برخی ناهماهنگی های دولت موقت با سیاست های انقلاب، آن ها را به سمت استعفا پیش برد. بازرگان شروع کننده جریان استعفا بود.

پس از استعفای بازرگان به دستور امام، وظایف دولت موقت به شورای انقلاب سپرده شد. در این مدت هرچه زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در بهمن سال 58 نزدیک تر می شد، رقابت بین گروه های سیاسی بیشتر می شد. با وجود اینکه سازمان مجاهدین خلق فراندوم قانون اساسی را تحریم کرده و قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان را نپذیرفت، هنگام برگزاری نخستین انتخابات ریاست جمهوری، سازمان اقدام به معرفی نامزد کرد.

در این انتخابات چهار گروه عمده لیست انتخاباتی خود را منتشر کردند؛ جریان اسلامی با ائتلاف بزرگ، گروه های همنام (نهضت آزادی و همراهان)، سازمان مجاهدین خلق(منافقین)، دفتر هماهنگی رئیس جمهور وابسته به بنی صدر. پس از چند هفته بحث پیرامون نحوه برگزاری انتخابات، بلاخره مصوبه شورای انقلاب مبنی بر دومرحله ای برگزار شدن دوره اول مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

مجلس مهم تر از دولت

بعد از انتخابات ریاست جمهوری، جمع بندی اعضای اصلی حزب این بود که اهمیت مجلس نه تنها کمتر از ریاست جمهوری نیست بلکه بیشتر است. گویا این رهنمود از سوی امام به شاگردان نگرانش درباره نتیجه انتخابات گوشزد شده بود و حوادث سال های بعد درستی آن را نشان داد.

پس از ناکامی حزب در انتخابات ریاست جمهوری برنامه ریزی ها برای برگزاری نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی آغاز شد. جلال الدین فارسی از حال و هوای آن زمان حزب در جلسه دو روز پس از انتخابات ریاست جمهوری چنین روایت کرده است: اولین جلسه مسئولان ایالتی و مسئولان مرکزی حزب، پس از انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری و برای تصمیم گیری درباره انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. در این جلسه آقای موسوی اردبیلی از مؤسسان حزب و عضو شورای مرکزی آن اظهار داشت با شکستی که در انتخابات ریاست جمهوری خوردیم در انتخابات مجلس هم شکست سختی خواهیم خورد.

حزب پس از کسب اکثریت مجلس، در ابعاد جهانی نیز اعتبار بیشتری یافت و از آن برای صدور پیام انقلاب بهره برد. هاشمی رفسنجانی با کسب اکثریت آرای نمایندگان، به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد و در روز چهارشنبه هفتم خرداد سال 59 اولین مجلس شورای اسلامی رسماً افتتاح شد. بعد از آن در روز سی و یکم تیر، مراسم سوگند رئیس جمهور در حضور نمایندگان مجلس و رئیس دیوان عالی کشور انجام شد. بعد از این مراحل مسئله مهم تشکیل کابینه بود.

از روی اول مردادماه مسئله انتخاب نخست وزیر که یکی از اساسی ترین وظایف بنی صدر بود طرح شد. با توجه به اینکه بیشتر نمایندگان انتخاب شده هم فکر بنی صدر نبودند و او را برای تأیید گزینه نخست وزیر در مرحله اول و تأیید وزرای دولت در مرحله دوم نیاز به تأیید و رأی مجلس داشت؛ این انتخاب کار را برایش سخت کرده بود.

یکی از مواردی که حزب به آن اهمیت می داد، توجه به مسائل اجتماعی و به نوعی نقش آفرینی اجتماعی بود. با توجه به شرایط اضطراری اولی انقلاب و اقدامات ضدامنیتی سلطنت طلبان و گروهک های مخالف انقلاب، مشارکت در تأمین امنیت هم که در شرایط طبیعی از یک حزب انتظار نمی رود، در ردیف این نوع اقدامات حزب قرار گرفت.

این نقش تا اندازه ای پررنگ و مهم بود که حزب برای آن برنامه ریزی مشخص، منظم و کافی داشت، تا اندازه ای که در روزنامه جمهوری اسلامی برنامه های آن منتشر می شد. با نگاهی به صفحات اول روزنامه حزب می توان دریافت که در دو سال نخست پس از تأسیس از این نوع مشارکت های اجتماعی با تنوع بسیار و در دو جای جای پهنه کشور در جریان بوده است و همین امر موجب اثر اجتماعی گسترده حزب در آن سال ها بود. امری که پس از غائله 14 اسفند، مجال آن رو به کاهش گذاشت و با ورود سازمان مجاهدین خلق به فاز نظامی و آغاز هزاران ترور که از مسئولان تراز اول تا مردم عادی را شامل می شد و ناگزیر مناسبات سیاسی کشور را به مقطع دیگری وارد ساخت.

این اثر با مرور دقیق اسناد و روایت های دست اول، نه تنها گامی مؤثر در ثبت خاطرات تاریخی و تشریح نقش کلیدی حزب جمهوری اسلامی در تثبیت پایه های نظام نوپاست، بلکه آینه ای تمام نما از ایثار و مجاهدت های انقلاب در برابر توطئه های داخلی و خارجی است تا نسل های آینده با درک صحیح از گذشته، هوشیارانه تر مسیر آینده را هموار کنند.